

لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها

محمد چگینی

یکی از ویژگی‌های قانون اساسی ایران در دوران مشروطیت دادن حق رای به کلیه افراد ذکور جامعه اعم از باسواد و بیسواد بود و طبق ماده پنجم همین قانون نسون، اشخاص تبعه کشورهای خارجی، افرادی که خروجشان از دین حنیف اسلام ثابت شده بود و افراد زیر بیست سال از حق رای محروم بودند.^۱ این ماده در دهه‌های بعد از سوی بسیاری از روشنفکران و سیاستمداران به چالش کشیده شد. حزب توده که خود را یکی از احزاب مترقی و پیشرو می‌دانست، بر این عقیده بود که باید این ماده را اصلاح کرد و به زنان که نیمی از جامعه را هستند حق رای داد. بر خلاف این نظر عده‌ای دیگر می‌گفتند که باید تغییرات احتمالی در راستای محروم کردن بی‌سوادان از حق رای صورت بگیرد. دکتر مصدق از برجسته‌ترین سیاسیون ایران در دهه ۱۳۲۰ از حامیان این طرح بود. او به درستی این گونه استدلال می‌کرد که زمینداران، درباریان و آبادی بیگانگان از بیسوادی افراد سوء استفاده کرده و آرای آنها را به نفع خود مصادره می‌کردند. از این رو نمایندگان به مجلس راه می‌یافتند که بیشتر منافع خود و حامیان داخلی و خارجی‌شان را در نظر داشتند تا منافع ملی. هم چنین مصدق اصلاح قانون انتخابات را ضامن دموکراسی و جلوگیری از اشاعه فساد در کشور می‌دانست و بر این عقیده بود که به این طریق تنها نمایندگان واقعی به مجلس راه یافته و تنها برای پیشبرد اهداف ملی فعالیت می‌کنند.^۲

نخستین بار لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها در دوره ریاست الوزرایی رجبعلی منصور در هفت فصل و ۳۰ ماده در پنجم اردیبهشت ۱۳۲۹ به مجلس تقدیم شد.^۳ طبق ماده اول تعداد نمایندگان از ۱۲۶ نفر به ۲۰۰ نفر افزایش می‌یافت. ماده دوم به تعداد نمایندگان شهرها بر حسب

جمعیت اختصاص داشت. در شهرهای درجه اول که جمعیت آن از صد هزار نفر متجاوز بود برای هر چهل هزار نفر یک نماینده و برای بخش‌های شهرهای درجه اول و شهرهای دیگر و بخش‌های آنها هر هشتاد هزار نفر یک نماینده انتخاب می‌شد. به نظر می‌رسد جنبالی‌ترین بخش به ماده ۲۶ باز می‌گشت، جایی که سن رای دهندگان را به ۱۸ سال کاهش می‌داد و بیسوادان را از حق رای محروم می‌ساخت. این لایحه مورد استقبال مصدق و دیگر نمایندگان جبهه ملی قرار گرفت، اما به زودی لایحه مزبور به فراموشی سپرده شد؛ زیرا مسئله استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب و برکناری منصور موجب شد تا بیشتر وقت نمایندگان حامی لایحه مصروف ملی شدن نفت و مبارزه با نخست وزیری سرلشکر رزم‌آرا گردد.

با روی کار آمدن دکتر محمد مصدق در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ بار دیگر لایحه مورد توجه قرار گرفت. او بعد از معرفی کابینه به مجلس، رئوس برنامه‌های خود را به این شرح اعلام کرد: یکم؛ اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون ۹ ماده‌ای و تخصیص عواید حاصل از آن برای تقویت اقتصاد کشور و فراهم آوردن رفاه و آسایش عمومی. دوم؛ اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها. اما این بار هم برنامه دوم تحت تاثیر برنامه اول یعنی اجرای قانون خلع ید قرار گرفت و در محاق فرو رفت. ولی با توجه به اسناد موجود در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی^۴ می‌توان به بازتاب این لایحه در بین اقشار مختلف پی برد. افزایش تعداد نمایندگان مورد توجه برخی گروهها و انجمنها قرار گرفت به همین منظور آنان در نامه‌هایی به مجلس شورای ملی تقاضا نمودند تا به شهرهای آنها سهمی از این افزایش اختصاص داده شود. (سند شماره ۵۳)، اما این لایحه به مذاق بسیاری از مخالفان دولت خوش نیامد و برای بی‌اعتباری و حتی تضعیف دولت برخی از روشنفکران، دانشجویان و افراد بیسواد با این لایحه مخالفت کرده و آنرا ارتجاعی و قرون وسطایی خوانده و خواهان حذف آن از برنامه‌های دولت شدند (اسناد شماره ۶ و ۱۰، ۲، ۴).

سند شماره ۱

۱۳۳۰/۲/۲۹

ریاست مجلس شورای ملی

در این موقع که لایحه ارتجاعی قانون انتخابات دائر به منع بیسوادها از دادن حق رای به مجلس تقدیم شده است، به اطلاع جنابعالی می‌رسانیم که لایحه مذکور با اصول قانون اساسی، منشور ملل متفق و اعلامیه حقوق بشر مغایرت تام دارد و ناقض مهمترین حقوق افراد ملت ایران است ما از شما که رئیس مجلس ایران هستید تقاضا می‌کنیم که نظریات ما را به اطلاع نمایندگان مجلس برسانید و از شرکت در این توطئه ضد ملی خوداری فرمایید [با امضای محمود تفضلی، منوچهر زریخواه، فضل‌الله مهدوی، محمد رضا زندی، محمود ژندی، اسماعیل ریاحی، وزیر زاده، داود نوروزی، علی آزرمی، محمد انجوی].

سند شماره ۲

سازمان دانشجویان دانشگاه تهران
عضو اتحادیه بین المللی دانشجویان
۱۲ خرداد ۱۳۳۰

ریاست محترم مجلس شورای ملی

رونوشت سازمان ملل متحد (نیویورک) رونوشت اتحادیه بین المللی دانشجویان (پراگ)، رونوشت فدراسیون جهانی جوانان دموکرات (پراگ)، رونوشت انجمن حقوقدانان جهان (پاریس)، رونوشت سندیکای جهانی کارگران، تقدیم لایحه انتخابات به وسیله دولت آقای دکتر مصدق به مجلس شورای ملی ما دانشجویان و روشنفکران را وادار می‌دارد که بنام بزرگترین کانون علم و دانش کشور صدای اعتراض خود را علیه این لایحه ارتجاعی بلند کنیم. این لایحه که قسمت اعظم از زحمتکشان میهن ما را از دخالت در سرنوشت خود محروم می‌کند مخالفت علنی با قانون اساسی دارد.

ماده دوم قانون اساسی می‌گوید: «مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود شرکت دارند». بنابر این هیچ مقامی و هیچ شخصی نمی‌تواند حقی را که طبق قانون اساسی به مردم تفویض شده است سلب نماید. زحمتکشان میهن ما گناهی ندارند اگر از نعمت سواد محروم مانده‌اند، گناه متوجه کسانی است که با خیانت‌های خود آنانرا از داشتن سواد محروم داشته‌اند. بیسوادی طبق قانون مملکت ما نمی‌تواند مانع تمتع حقی گردد. هر فرد بالغ، عاقل و رشید باید و می‌تواند از حقوق اساسی مدنی برخوردار گردد. اصل هشتم قانون اساسی هرگونه امتیازی را میان اهالی مملکت در مقابل قانون منع کرده است و می‌گوید: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق خواهند بود». دستگاه حاکمه ما به جای آنکه قانون پوسیده چندین ده سال قبل انتخابات را با شرایط قرن بیستم و دوران رستاخیز ملل انطباق دهند و به زنان که نیمی از اهالی کشور را تشکیل می‌دهند حق انتخاب شدن و انتخاب کردن بدهند با آوردن چنین لایحه‌ای کشور ما را به سوی قهقرا می‌کشاند. اینک با [توجه به] آنچه گذشت اعلام می‌داریم:

۱- محروم کردن بیسوادان؛ یعنی بیش از ۸۰ درصد مردم زحمتکش کشور از حق شرکت در انتخابات مخالف قانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر است در حکومت مردم بر مردم باید تمام افراد کشوری برای دخالت در سرنوشت خود در انتخابات شرکت جویند. ما این لایحه را به منزله تجاوز علنی به حقوق مسلم افراد ستمکش و محروم کشور دانسته و آنرا شدیداً محکوم می‌کنیم.

۲- تفکیک آراء بی‌سوادان از باسوادان در شهرها منجر به محرومیت زحمتکشان به خصوص طبقه آگاه و پیشرو کارگر که بارها رشد سیاسی و اجتماعی خود را به اثبات رسانید، میباشد و چون برای خود امکانات بیشتری در ربودن رای دهقانان می‌بینند، آنانرا محروم ساخته اند تا چون گذشته بتوانند مالکین بزرگ را به مسند نمایندگی ملت بنشانند.

۳- با در نظر گرفتن اینکه حدود ۵۰ درصد از هم میهنان ما یعنی زنان ایرانی به ناحق از شرکت در

انتخابات محرومند، دولت با این عمل خویش عده کثیر دیگری را نیز به این گروه محرومین از حق رای می‌افزاید.

۴- باید به جای محروم کردن بی‌سوادان از حق شرکت در انتخابات با صرف بودجه کشور در طریق توسعه فرهنگ به تعمیم دانش و سواد در بین آنان همت گمارد.

۵- باید برای زنان نیز چون مردان حق شرکت در انتخابات قائل گردد و تبعیض‌های ناروا را ملغی سازد.
۶- ما جدا استرداد این لایحه را خواستاریم [امضای افراد ناخوانا].



پیام بهارستان / ۲۰ د. س. ۱ ش. ۴ / تابستان ۱۳۸۸

سند شماره ۳

۱۳۳۰/۳/۲۶

عریضه سر گشاده مجمع تویسرکانیان

به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون

شاهنشاهی و هیات محترم دولت و نمایندگان محترم مجلس شورای ملی

شانزده دوره است که از عمر مجلس شورا [ی ملی] می‌گذرد و قریب نیم قرن است که در حکومت مشروطه زندگی می‌کنیم؛ در همه این ادوار و در تمام این ایام اهالی تویسرکان نه از مجلس شورا بهره‌ای داشته و نه از حکومت مشروطه سهمی برده‌اند.

شهرستان تویسرکان که از بلاد قدیمی ایران است و از با استعدادترین و حاصلخیزترین نقاط کشور به شمار می‌رود، متأسفانه در سالهایی که هر یک از نواحی مملکت به سهم خود به طرف ترقی و پیشرفت گامی چند برداشته ابداً وضعش تغییر نکرده و از مزایائی که شهرستانهای دیگر کشور کم و بیش برخوردار شده‌اند بی‌نصيب مانده است و تمام این ناکامی‌ها و محرومیت‌ها که ذکرش موجب اطاله کلام است در اثر نداشتن یک نماینده محلی در مجلس شورا بوده است تا از احتیاجات و دردهای مردم، اولیای امور را با خبر نموده و در رفع آنها بکوشند و بالتبجه شهر تویسرکان که از قدیم با دو شهر ملایر و نهاوند ولات ثلاث نامیده می‌شد، به صورتی درآمده است که اگر مدتی نیز بدین منوال بگذرد، بایستی آنرا دهکده نامید.

لذا در این موقع که دولت جناب آقای دکتر مصدق به منظور دخالت مردم در سرنوشت خود و تعمیم آزادی به تقدیم لایحه انتخابات جدید به مجلس شورای ملی مبادرت فرموده و آن لایحه اکنون در دست مطالعه و شور کمیسیون میباشد و مقرر است که بر تعداد نمایندگان افزوده گردد اهالی محروم و رنج‌دیده شهرستان تویسرکان متوقع و منتظرند که نماینده‌ای جداگانه برای شهرستان تویسرکان که بیش از صد هزار [نفر] جمعیت دارد اختصاص دهند.

بدیهی است در این زمان که سازمانهای اداری و اجتماعی دنیای کنونی بر این اصل استوار شده که اهالی هر شهر و بخش و حتی هر محله جداگانه در تعیین سرنوشت و اداره امور خویش مختار باشند، تصور می‌رود این درخواست که ضامن آزادی افراد و سازمانهاست بسیار مشروع و عادلانه باشد. خاصه آنکه این موضوع در صدر مشروطیت که جدول انتخابات قدیم را تنظیم می‌کردند تا اندازه‌ای رعایت شده و حتی بعضی نقاط که در آن زمان بخش و تابع شهرستانی بوده حوزه انتخابیه‌اش را جدا نموده و یک نماینده به آن اختصاص داده بودند. اکنون برای تویسرکان که شهرستان مستقل و جمعیتش بیش از صد هزار نفر است انجام این امر کاملاً مقدور و بدون مانع و مشروع خواهد بود.

به هر حال در خاتمه اعلام می‌داریم اهالی محروم و شاه دوست و وطن خواه تویسرکان تا وصول نتیجه و رسیدن به این حق مشروع خود از پای ننشسته و مصراً از اولیای امور و نمایندگان اصلاح طلب انجام این تقاضا را خواستاریم.

مجمع تویسرکانیان مقیم تهران

۱۴۷

اداره کسری
کسری کرد

عریضه سر شاهده مجمع توپسر کانیان

به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و هیئت محترم دولت و نمایندگان محترم مجلس شورای ملی

شانزده دوره است که از عمر مجلس شوری میگذرد و قریب نیم قرن است که در حکومت مشروطه زندگی میکنیم؛ در همه این ادوار و در تمام این ایام اهالی توپسرکان نه از مجلس شوری بهره‌ای داشته و نه از حکومت مشروطه سهمی برده‌اند.

شهرستان توپسرکان که از بلاد قدیمی ایران است و از با استعداد ترین و حاصلخیز ترین نقاط کشور بشمار میرود متأسفانه در سالهایی که هریک از نواحی مملکت بسهم خود بطرف ترقی و پیشرفت گامی چند برداشته ابتدا وضع تغییر نکرده و از مزایایی که شهرستانهای دیگر کشور کم‌بیش برخوردار شده‌اند بی‌نصیب مانده است و تمام این ناکامیها و محرومیتها که ذکرش موجب اطاله کلام است در اثر نداشتن یک نماینده محلی در مجلس شوری بوده است تا از احتیاجات و دردهای مردم آریای امورها با خبر نموده و در رفع آنها بکوشند و بالتیجه شهر توپسرکان که از قدیم با دوشهر هلا پرونهاوند ولایات ثلاث نامیده میشد بصورتی درآمدہ است که اگر مدتی نیز بدین منوال بگذرد بایستی آنرا دهکده نامید!

لذا در اینموقع که دولت جناب آقای دکتر مصدق بمنظور دخالت مردم در سرنوشت خود و تعمیم آزادی بنقدیچ لایحه انتخابات جدید بمجلس شورای ملی مبادرت فرموده و آن لایحه اکنون در دست مطالعه و شور و کمسیون میباشد و مقرر است که بر تعداد نمایندگان افزوده گردد اهالی محروم ورنجد پدیده شهرستان توپسرکان متوقع و منتظرند که نماینده‌ای جدا ۳۱ نفر برای شهرستان توپسرکان که بیش از صد هزار جمعیت دارد اختصاص دهند.

بدیهی است در این زمان که سازمانهای اداری و اجتماعی دنیای کنونی بر این اصل استوار شده که اهالی هر شهر و بخش و حتی هر محله جداگانه در تعیین سرنوشت و اداره امور خویش مختار باشند تصور میروود این درخواست که ضامن آزادی افراد و سازمانهاست بسیار مشروع و عادلانه باشد. خاصه آنکه این موضوع در صدر مشروطیت که جدول انتخابات قدیم را تنظیم میکردند تا اندازه‌ای رعایت شده و حتی بعضی نقاط که بر آن زمان بخش و تابع شهرستانی بوده حوزه انتخابیه اش واجدا نموده و یک نماینده بکن اختصاص داده بودند.

اکنون برای توپسرکان که شهرستان مستقل و جمعیتش بیش از صد هزار نفر است انجام این امر کاملاً مقدور و بدون مانع و مشروع خواهد بود.

بهر حال در خاتمه اعلام میداریم اهالی محروم و شاه دوست و وطن خواه توپسرکان تا وصول نتیجه و رسیدن باین حق مشروع خود از پای ننشسته و مصراً از اولوای امور و نمایندگان اصلاح طلب انجام این تقاضا را خواستاریم.

مجمع توپسر کانیان مقیم تهران

در روز شنبه نهمین بهمن ماه ۱۳۸۸
شماره ۱۴
سال ۱۳۸۸

پیام بهارستان / ۲۰۱۳ / ش ۱ / تابستان ۱۳۸۸

سند شماره ۴

مجلس شورای ملی

اداره کمیسیونها ۱۳۳۰/۳/۲۶

رو نوشت جناب آقای نخست وزیر، رونوشت روزنامه اطلاعات، کیهان، بسوی آینده، نوید آزادی، داد. اینجانبان شکرالله کیوانی و علی دلخوش کارگر [ان] بنگاه راه آهن دولتی ایران با توجه به قانون اساسی ایران که حق انتخاب نماینده را برای تمام مردم ایران آزاد و قانونی شناخته است، نسبت به لایحه جدید قانون اصلاح انتخابات که حق رای را از بیسوادان شهرها سلب کرده و این حق قانونی آنان را بدون رعایت منشور ملل متفق (که در مجلس شورای ایران هم تصویب شده است) پایمال می کند جداً اعتراض داریم و اعلام می کنیم که گناه بی سوادى مردم ایران اعم از کارگر و دهقان و پیشه‌ور به گردن دولتهای ایران بوده که به خلاف قانون تعلیمات اجباری کوشش لازم برای باسواد کردن مردم ایران به کار نبرده و حتی عملاً از راههای گوناگون از باسواد شدن آنها جلوگیری کرده است و حالا نباید مردم ایران مجازات گناه دولتها را بدهد و از حق قانونی خود محروم شود. چه فرقی بین کارگر باسواد و بیسواد در انتخاب سرنوشت خود هست و چرا بیسوادان در شهر لیاقت انتخاب وکیل خود را ندارند اما در حومه دارند؟ چرا قانون اساسی را به ضرر ملت ایران تغییر می دهید و مواد آنرا عملاً نقض می کنید ما از مجلس شورا می خواهیم که از پایمال کردن حق اساسی و قانونی ملت ایران خوداری کند و به لایحه جدید اصلاح قانون انتخابات که دولت اخیراً به مجلس آورده است رای موافق ندهد.

شکرالله کیوانی - علی دلخوش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مجلس شورای ملی ایران
روزنوشته جناب آقای نخست وزیر
۱۴۵
روزنوشته روزنامه‌های اطلاعات - کیهان - نام‌آورد
سبوی آینده - نوید آزادی - داد

اینها بنی شکر اله کیوانی و ملی دلگوش کارگر نگاه
راه آهن دولتی ایران با توجه بقانون اسکا ایران که حق آنها
نماینده را برای تمام مردم ایران آزاد و قانونی شناخته است
نسبت بلا یکم حدیث قانون اصلاح قانون آتخاب که حق رأی
را از میسعادان ششم هاسلب کرده و این حق قانونی آنان
را بدون رعایت مشور ملل متفق (که در مجلس شورای ملی
ایران هم تصویب شده است) پایمال میکند جدا
اثرش دارم و اسلام میکنم که گناه بیوادی مردم ایران اتم
از کارگردانان و پیشاور بگردن دولت های ایران بوده که
بجای قانون تعلیمات اجباری که پیشتر لازم برای بیواد
کردن مردم ایران لجا رنبرده و حتی عملاً از راه های گوناگون
از بیواد کردن آنها جلوگیری کرده است و حالانکه مردم

ایران مجازات گناه دولتها را بدهد و از حق قانون
خود محروم شود چه فرقی بین کارگر با بیواد و بیواد
در آتخاب سرنوشت خود هست و چرا بیوادان در
شهر لیاقت آتخاب وکیل خود را ندارند آنها در حرم
دارند آیکاین حرف غیر منطقی و خلاف قانون
است که مردم ایران از بیواد و بیواد باید در تعیین
سرنوشت خود دخیل باشند؟ چرا قانون اسکا
را بضر ملت ایران تغییر میدهید و مواد آنرا
عملاً نفعز میکنید ما از مجلس سوری میخواهیم که
از پایمال کردن حق اسکا و قانون ملت ایران
خود داری کند و بلا یکم حدیث اصلاح قانون
آتخابات که دولت اخیر مجلس آورده است رأی
موافق ندهد -

شکر اله کیوانی
علی دلگوش

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ / تابستان ۱۳۸۸

سند شماره ۵

جمعیت ملیون قم- وابسته به جبهه ملی
به وسیله آقای نریمان نماینده محترم مجلس
ریاست محترم مجلس شورای ملی
۱۳۳۰/۵/۳

اکنون که لایحه اصلاح قانون انتخابات و ازدیاد نمایندگان به مجلس تقدیم گردیده است، توجه ریاست مجلس محترم و آقایان نمایندگان را نسبت به شهرستان قم که از هر حیث دارای اهمیت می‌باشد و متأسفانه تا به حال هیچ‌گونه توجه اصلاحی نسبت به آن مبذول نگردیده است جلب و انتظار داریم لااقل طبق لایحه تقدیمی از وکلای اضافی مورد نظر یک نفر را برای قم که دارای یکصد هزار نفر جمعیت ساکن شهر و پنجاه هزار نفر ساکن حومه می‌باشد منظور و این اولین اقدام را در راه اصلاحات اساسی و اجتماعی این شهر بردارند تا به خواست خداوند متعال و استظهار به نمایندگان محترم و فعالیت لازم در سایر شئون اجتماعی که در خور و شایسته موقعیت این شهر مقدس مذهبی و عقب افتاده است پیش برویم. با تقدیم احترامات جمعیت ملیون قم-وابسته به جبهه ملی.



جمعیت ملیون - قم
وابسته بجهه ملی

تاریخ ۳/ ۵ ماه ۱۳۰۲
شماره ۹۲
پیوست

۱۵۷

بوسیله جناب آقای نریمان نماینده محترم مجلس

ریاست محترم مجلس شورای ملی -

آنکون که لایحه اصلاح قانون انتخابات و ازدیاد نمایندگان به مجلس شورای ملی تقدیم گردیده است توجه ریاست محترم و آقایان نمایندگان مجلس را نسبت به شهرستان قم از هر حیث دارای اهمیت میباشد و متأسفانه تا بحال غیب گشته توجه اصلاحی نسبت بآن مبذول نگردیده است. جلب و انتظار داریم لا اقل طبق لایحه تقدیمی از وکلای اهالی - مورد نشر یگنفر را برقی تم که دارای یکصد هزار نفر جمعیت ساکن شهر و پنجاه هزار نفر ساکن حومه میباشد منظور و این اولین قدم را در راه اصلاحات اساسی و اجتماعی این شهر بردارند تا بخواست خداوند متعال و استظهار بنمایندگان محترم و تمایلت لازم در سایر شئون اهلی تمای که در شهر و نماینده موقیعت این شهر مقدس مذمبین و عقب افتاده است پیش برویم . با تقدیم احترامات مجدد
وابسته بجهه ملی

ر. ش. ب. ن. ی. د. ه. ش. ر. ا. ی. ن.
شماره ۱۸۵۵۱
۱۳۰۲-۵-۳

سند شماره ۶

اداره کمیسیونها ۱۳۳۰/۶/۴

جناب آقای دکتر مصدق

رو نوشت مجلس شورای [ملی دوره] شانزدهم، رونوشت روزنامه بسوی آینده و اطلاعات. ما امضاء کنندگان از آقای دکتر مصدق سئوال کرده و برای قضاوت آن، وجدان شما را به قضاوت می‌طلبیم. گناه ما و هم زنجیران محروم ما از نداشتن سواد و محروم بودن از آن چیست و مسئولیت آن به عهده چه کسانی می‌باشد آیا جز این است که این طبقه حاکمه خائن و استثمارگران پست داخلی و خارجی مسئول این امر حیاتی هستند که برای ابقاء سلطه خونخوارانه خود ما را چاپیدند و غارت کردند و بیت المال ما مردم بدبخت را به عوض اینکه تاسیس مدارس و تعمیم فرهنگ کنند برای ما توپ و تفنگ و تانک خریده و حال هم می‌خرند که بهتر بتوانند نهضت و جنبش حق طلبانه ما را منکوب کرده و به تسلط جابرانه خود مسلط باشند. آیا به این اصل مسلم توجه دارید که با شکم گرسنه و فلج بودن اساس زندگی باسواد بودن امکان پذیر نیست و برای اثبات موضوع این نکته حقیقتی را یادآور می‌شویم، نمی‌دانیم تعداد فرزندان شما چند نفرند، ولی آقایان [فرزندان] مصدق، دکتر [غلام حسین] و مهندس [احمد] را می‌شناسم که اگر پدری مالک یا سرمایه‌دار نداشتند و وسایل تحصیل آنها فراهم نمی‌شد، امکان نداشت که دکتر یا مهندس بشوند؟ یا بالعکس اگر پدران ما می‌دانستند و یا وسیله ای داشتند [که] مقداری از این زمین های طبیعت را تصاحب کرده و مالکیت فراهم میکردند آیا امروز ما هم از نعمت سواد بی بهره بودیم؟ مسلماً نه.

آیا تقدیم این لایحه ارتجاعی به اصطلاح اصلاح انتخابات جنگ وستیز و دهن کجی با محرومین اجتماع که محرومیت ما محصول خیانتها و غارتگریهای همین طبقه فاسد است نمی‌باشد. با ابراز انزجار شدید نسبت به این لایحه ارتجاعی از شما که لفظاً خود را مرد دمکرات منش معرفی کرده‌اید، خواستاریم با مسترد داشتن لایحه قبلی و تقدیم لایحه دیگری که منطبق با قانون اساسی و منشور ملل متفق باشد عملاً نشان دهید که آنچه می‌نمایید هستید؛ زیرا که عمل شما در قضاوت مردم موثر است ما امضاکنندگان باسواد هم بدین وسیله به برادران بیسواد و محروم خود هم صدا شده و انزجار خود را در تایید خواستهای منطقی و حقه آنها ابراز می‌داریم [اثر انگشت امضاء کنندگان حسین داور پناه، احمد سروری، جعفر سالک، محمد فکری، اکبر عباسی، حسن شمشیری، ذوالفقار، علی حاجی، ابراهیم ابرامیان، عزت‌الله نظرزاده، محمد خلیلی، حسن هادی، امیر حسن، جوادی، اسماعیل فاضلی، حسن جوادی، حسین جوادی، اشرف سلیمانی، قدرت محمدی، علی غیوری].

۱۵۵

۱۳۷۲
رئیس هیأت مدیره
کانون

جناب آقای دکتر خدی
ریاست مجلس شورای ملی
دعوت روزنامه بسوی آینده و اطلاعات

ما اعضاء کنگره نمایندگان مجلس شورای ملی و شورای عالی شهرداری‌ها و آنان وجدان حساس
را به شدت تسلیمیم

گناه ما و هم‌زبانان شروع با ازدادن سواد و شروع بی‌دان از آن جهت و تسولیت این
انگیزه چه گناهی می‌باشد. آیا جز این است که این طبع خاکه غایی و اسفنا رگران بت‌داغی و غا رسی
تسول این انجمن می‌سند که برای ما - سلطون غورا نه خود ما را جا بدهند و غارت کردند بیت‌المان
ما مردم بدبخت را بخش اینک تا بس نماند و تمیم فریاد کنند برای ما موجب و تفنگ و نا نگه‌برده و حساب
هم می‌رند که بهتر خواهند نیست و چنین سولیا نه ما را شکوب کرده به صراط جا پرا نه خود تسلط خواهند

آیا با این اصل مسلم بوده که با کمک کیش و فلاح بودن اساس زندگی با سواد دادن امکان
پذیر نیست برای آفات موجود این نگره برقی را با آوری می‌توانیم بعد از فرزندان ما چنانچه
ولی آقا با این سد و دکتری را می‌شناسم که اگر غفلت غما پدرو ما را بک و سرما بعد از آقا هستند و
صوبل آنها فراموش می‌شود آن وقت که دکتری می‌باشند؟ یا با الکتر اگر پدران ما می‌خواهند
و با وسایل یاد خواهند نهادی از این زمینها و طبیعت را صاحب کرده نا لکمی فراموش کردند آیا امروز ما هم
از نعمت سواد محروم می‌بوییم؟ سلنا

آیا مقدم این لا به را می‌توان اصلاح انشا با ت جنگ و سعی بود هن کی ما محرومین
ایضا که محرومیت اسول غیا نبیا و غار کربیا و همین طبعها که فاسد است نیامده؟

اینکه ما را از زیاده عدید نیست با این لا به را می‌توان از خاکه لفظا خود را مردم مودکرات نفس
مردمی کرده بد غایب مایم با ستودن این لا به فلی و تقدیم لا به دیگری که منطبق با قانون اساسی و منسوخ
ملل ملحق باشد - مثلا نماند هرگاه آنچه نیاید می‌سند زیرا که عمل شماره فوارت بود مودت است
ما اعضاء کنگره نمایندگان با سواد هم بدینوسله با پرا دران بسواد و محروم خود خدا عده و نزار
خود را در راه خود غایبها و منطقی و عدالتی با پرا ن موداریم

آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی
آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی	آقای دکتر خدی

پی‌نوشت‌ها:

۱. مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ص ۴۰.
۲. غلامرضا نجاتی، مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت، ج ۱، تهران، رسا، ۱۳، ص ۱۸۳.
۳. علاقه‌مندان برای رویت کامل این لایحه رک: روزنامه باختر امروز، ش ۲۲۱، ۶ اردیبهشت ۱۳۲۹، صص ۱ و ۲. همچنین رک اطلاعات، ش ۷۲۱۱، ۶ اردیبهشت ۱۳۲۹، ص ۱.
۴. مرکز اسناد شورای اسلامی، دوره ۱۸، کارتن ۴۲، جزوه‌دان ۳۴، پوشه شماره ۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی